



عیسی علیه السلام و نزول میوه‌های بهشتی در محراب عبادت برای او و نیز داستان عاصف بن برخیا و انتقال تخت ملکه صبا از یمن به فلسطین در یک چشم به هم زدن و داستان هایی که شیعه و سنی درباره کرامات حضرت علی علیه السلام نقل کرده‌اند.^۱

در این مقاله بر آنیم تا به مناسبت شهادت دخت پیامبر عظیم الشان اسلام، گوشه‌ای از کرامت‌های

کرامت عبارت است از «انجام کار خارق العاده با قدرت غیر عادی و بدون ادعای نبوت و یا امامت».^۱ به عقیده اکثریت علمای مذاهب اسلامی - جز گروه اندکی از معتزلی‌ها - صدور کرامت از اولیای خداوند و به دست آن‌ها ممکن است. به قول دانشمندان «أَدُلُّ دَلِيلٍ عَلَى إِمْكَانِ الشَّيْءِ وَتَوْقُوعِهِ؛ بالاترین دلیل بر امکان چیزی، وقوع و انجام آن چیز است».

در تاریخ نمونه‌های زیادی از کرامات اولیای خداوند نقل شده است. مثل: سرگذشت حضرت مریم علیها السلام و جریان ولادت فرزندش حضرت

۱- شیخ محمدرضا مظفر، بَدایة المعارف، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، ج ۱، ص ۲۳۹.
 ۲- ر.ک، علامه حلی، کشف المراد، (قم، مؤسسة النشر الاسلامی، پنجم، ۱۴۱۵ هـ.ق)، ص ۳۵۱.

حضرت زهرا علیها السلام را بیان کنیم.

۱- سخن گفتن با مادر در دوران

جنینی

در دوران بارداری خدیجه کبری، فاطمه علیها السلام از درون شکم مادر با وی سخن می‌گفت، به برخی روایات در این زمینه اشاره می‌کنیم:

الف) از خدیجه علیها السلام نقل شده است: در زمانی که به فاطمه حامله شدم، وی در شکم با من صحبت می‌کرد.

«لَمَّا حَمَلْتُ بِفَاطِمَةَ كَأَنَّ حَمْلًا خَفِيفًا تُكَلِّمُنِي مِنْ بَاطِنِي»^۱ زمانی که فاطمه را باردار بودم، حملی سبک بود و از باطنم با من سخن می‌گفت.

ب) دهلوی نقل می‌کند: «آن زمان که خدیجه به فاطمه حامله گردید، وی در درون شکم مادر، با وی سخن می‌گفت و خدیجه این مطلب را از رسول خدا پنهان می‌کرد. روزی رسول خدا بر خدیجه وارد شد، دید با کسی سخن می‌گوید، بدون این که شخصی نزد او باشد. فرمود: با چه کسی سخن می‌گفتی؟ عرض کرد: با کسی که در شکم دارم. حضرت فرمود: «آبِشِرِي يَا خَدِيجَةُ هَذِهِ بِنْتُ جَعَلَهَا اللَّهُ أُمَّ أَحَدِ عَشَرَ مِئِينَ

خُلُقَاتِي يَخْرُجُونَ بَعْدِي وَيَعْدُ آبِهِمْ؛ بشارت تو را ای خدیجه، این [زا که در شکم داری] دختری است که خداوند او را مادر یازده تن از جانشینان من قرار داده است؛ که ایشان پس از من و پدرشان [علی علیه السلام به عنوان امام] خارج می‌شوند.»^۲

۲- آمدن حور العین و زنان بهشتی

هنگام ولادت حضرت زهرا علیها السلام

حضرت خدیجه علیها السلام به زنان قریش و بنی هاشم پیغام داد که زمان وضع حمل من نزدیک است، مرا در این امر یاری نمایید، ولی آنان پاسخ دادند: ای خدیجه! چون تو در ازدواجت از سخنان ما سرپیچی نمودی، و محمد یتیم را به همسری برگزیدی، ما نیز تو را یاری نمی‌کنیم. خدیجه از این جواب سخت غمگین و ناراحت شد، در این هنگام چهار زن، همانند زنان بنی هاشم وارد شدند، در حالی که خدیجه از دیدن آنان هراسان شده بود، یکی از آن چهار زن به خدیجه گفت: غمگین مباش، پروردگارت ما را

۱- عبدالرحمن شافعی، نزهة المجالس، ج ۲، ص ۲۲۷.

۲- عیون المعجزات، ص ۵۱.

حضرت با آنان بی سابقه نبوده، و آن وجود مقدس قبلاً عوالمی را طی کرده و در مسیر ملکوتی خویش، آن فرستادگان آسمانی را دیده و شناخته است.^۲

۳- نورانی شدن مکه و جهان با

نور و ولادت فاطمه علیها السلام

کرامت دیگری که برای آن بانوی بزرگ اسلام ذکر شده، این است که چون آن مولود مقدس پا به دنیا نهاد، نوری از طلعت او ساطع شد که پرتو آن به تمام خانه‌های مکه وارد گردید، و در شرق و غرب زمین محلی نماند که از نور او بی بهره باشد، چنان که در روایتی از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم: «فَلَمَّا سَقَطَتْ إِلَى الْأَرْضِ أَشْرَقَ مِنْهَا النُّورُ...»^۳ زمانی که [فاطمه علیها السلام] به دنیا آمد، نور از او ساطع گشت.

در قسمت دیگری از این روایت می‌خوانیم: «وَبَشِّرْ أَهْلَ السَّمَاءِ بِبَعْضِهِمْ بَعْضاً

۱- بحار الانوار، (پیشین)، ج ۱۶، ص ۸۰ و ج ۴۳، ص ۲-۴؛ امالی صدوق، ص ۴۷۵-۴۷۶. و ر. ک: مناقب ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۳۰۴.

۲- بحار الانوار، (پیشین)، ج ۲۶، ص ۱۱۷-۱۳۲.

۳- بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۸۰-۸۱ و ج ۴۳، ص ۲.

برای یاری تو فرستاده است. ما خواهران و یاوران تو هستیم. من «ساره» هستم، این «آسیه دختر مزاحم» رفیق بهشتی تو است و این هم «مریم دختر عمران» است و این یکی «کلثوم خواهر موسی بن عمران» است، خدا ما را برای کمک به تو فرستاده است تا یاور و پرستار تو باشیم.

یک نفر از آن چهار زن در سمت راست خدیجه، دومی در طرف چپ او، سومی در پیش رویش، و چهارمی در پشت سر او نشستند و فاطمه پاک و پاکیزه تولد یافت.

پس از تولد آن حضرت، ده نفر حور العین، که در دست هر یک ظرفی بهشتی پر از آب کوثر و یک طشت بهشتی بود وارد شدند و حضرت فاطمه را با آب کوثر شستشو دادند و سپس در میان پارچه‌ای که از شیر سفیدتر، و از مشک و عنبر خوشبوتر بود پیچیدند.^۱

حضرت فاطمه علیها السلام در هنگام ولادتش حور العین و بانوان عالی مقام یاد شده را کاملاً شناخت و با ذکر نام به تک تک آن‌ها سلام کرد. این کرامت نشان می‌دهد که ملاقات و آشنایی آن

است که به هنگام ولادت به سجده افتاد، چنانکه از خدیجه کبری نقل شده است: «قَوْلَدَتْ فَاطِمَةَ، فَوَقَعَتْ عَلَى الْأَرْضِ سَاجِدَةً رَافِعَةً إِبْطِهَا»؛ هنگامی که فاطمه به دنیا آمد، به روی زمین به حال سجده افتاد در حالی که انگشت خویش را بالا گرفته بود.»

۵- گفتن شهادتین هنگام ولادت

کرامت دیگر آن حضرت این است که هنگام ولادت، به توحید و رسالت و ولایت شهادت داد. امام صادق علیه السلام در این رابطه می فرماید: «فَلَمَّا سَقَطَتْ... فَتَنَطَّقَتْ فَاطِمَةُ بِالشَّهَادَتَيْنِ وَقَالَتْ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ أَبِي رَسُولُ اللَّهِ سَيِّدُ الْأَنْبِيَاءِ وَأَنَّ بَغْلِي سَيِّدُ الْأَوْصِيَاءِ وَوُلْدِي سَادَةُ الْأَسْبَاطِ»؛ بعد از اینکه پا به دنیا گذاشت ... سخن خود را با شهادتین آغاز نمود و گفت: شهادت می دهم که خدایی جز الله نیست، و پدرم فرستاده

بِوِلَادَةِ فَاطِمَةَ وَحَدَّثَتْ فِي السَّمَاءِ نُورًا زَاهِرًا لَمْ تَرَهُ الْمَلَائِكَةُ قَبْلَ ذَلِكَ^۱؛ بعضی از اهالی آسمان به برخی دیگر ولادت حضرت زهرا را بشارت می دادند، و نور بسیار درخشانی در آسمان حادث شد که فرشتگان قبل از آن نظیرش را ندیده بودند.»

در روایت اهل سنت آمده است: «فَلَمَّا تَمَّ أَمَدُ حَمْلِهَا وَانْقَضَى وَصَعَتْ فَاطِمَةَ فَأَشْرَقَ بُنُورٌ وَجْهَهَا الْفَضَاءُ^۲؛ آن هنگام که مدت حمل فاطمه تمام شد، خدیجه او را به دنیا آورد، و به نور جمال او، فضا روشن و منور گردید.»

این نور در روز قیامت آشکارتر خواهد شد، چنانکه از ابن عباس نقل شده که «در روز قیامت، اهل بهشت ناگهان متوجه می شوند که بهشت همانند روشنی روز توسط خورشید، روشن شد، سؤال می کنند که خدایا فرمودی «در بهشت خورشیدی وجود ندارد»^۳ پس این نور چیست؟ جبرئیل جواب می دهد، این نور خورشید نیست بلکه نور خنده فاطمه و علی علیه السلام است.^۴»

۴- سجده هنگام ولادت

کرامت دیگر آن حضرت این

۱- همان، (پیشین)، ج ۴۳، ص ۳.

۲- شعیب بن سعد مصری، روض الفائق، ص ۲۱۴.

۳- انسان، ۱۳.

۴- بحار، (پیشین)، ج ۳۵، ص ۲۴۱؛ امالی صدوق، ص ۳۳۳، ح ۱۱.

۵- قندوزی، ینابیع المودة، ص ۱۹۸؛ علی بن یونس عاملی، الصراط المستقیم، ص ۱۷۰.

۶- بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۳.

می‌گرفتند، منتهی در مصداق آن اختلاف دارند.

از کرامت‌های مهم حضرت این بود که بعد از پدر، با ملائکه هم صحبت بود.

امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید: «فَاطِمَةُ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ كَانَتْ مُحَدَّثَةً وَلَمْ تَكُنْ بِسَيِّئَةٍ إِنَّمَا سَمَّيْتُ فَاطِمَةَ مُحَدَّثَةً لِأَنَّ الْمَلَائِكَةَ كَانَتْ تَهَيِّطُ مِنَ السَّمَاءِ فَتُنَادِيهَا كَمَا تُنَادِي مَرْيَمَ بِنْتَ عِمْرَانَ؟ فَاطِمَةُ دَخَرْتُ رَسُولَ اللَّهِ، مُحَدَّثَةٌ بُوَد، وَوَلِيَّهَا رَسُولُ اللَّهِ. فَاطِمَةُ مِنْ جِهَتِ مُحَدَّثَةٍ نَامِيْدَةٌ شَدَّةً اسْتِ كِهْ فَرَشْتِكَا نِ از آسْمَا نَا زَلْ مِي شَدَنَدْ وَ بَا اُو هَمَا نَنَدْ مَرِيْمَ دَخْتَرِ عَمْرَانَ كَفْتْ وَ كُو دَا شْتَنَدْ.»

فاطمه بعد از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ۷۵ روز بیشتر زنده نماند و غم جانسوز داغ پدر، قلب او را لبریز کرده بود، به این جهت جبرئیل پی در پی به حضورش می‌رسید و او را در عزای پدر تسلیت می‌گفت^۱ و تسلی

خدا و سید و سالار پیامبران است و همسر سید اوصیاء، و فرزندان سید و سالار نوادگان رسول خدا هستند.»

روایت فوق، اولاً نشان می‌دهد که آن حضرت به هنگام تولد سخن گفته و دیگر این که از آینده و همسری خود با علی علیه السلام و امامت فرزندان خود خبر داده است.

۶- جامه بهشتی

از ابن جوزی نقل شده است: در هنگام زفاف فاطمه علیها السلام (بعد از دادن جامه عروسی خود به فقیر) جبرئیل به محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده، عرض کرد: یا رسول الله! پروردگارت سلام می‌رساند، و مرا نیز فرمان داده که به فاطمه سلام برسانم و برای فاطمه جامه‌ای از دیبای سبز از جامه‌های بهشتی فرستاده است. فاطمه بعد از پوشیدن لباس نزد پدر آمد، حضرت با عباي خود، و جبرئیل با بال‌های خود آن جامه را پوشاندند تا نور آن باعث آزار دیدگان نشود^۱.

۷- هم صحبتی با ملائکه

دانشمندان شیعه و سنی معتقدند که بعد از پیامبر اکرم یقیناً انسان‌هایی بوده‌اند که هم سخن ملائکه قرار

۱- قاضی نورالله حسینی، احقاق الحق، طهران، مکتبه الاسلامیه، ج ۱۰، ص ۴۰۱.

۲- بحار الانوار (پیشین)، ج ۲۶، ص ۷۵.

۳- اصول کافی، ج ۱، ص ۲۴۱؛ بحار الانوار، (پیشین)، ج ۲۲، ص ۵۴۶ و ج ۲۶، ص ۴۱.

بخش خاطر غمین زهرا بود، و گاه از مقام و منزلت پدر بزرگوارش سخن می‌گفت و گاه از حوادثی که بعد از رحلت او بر فرزندان او وارد می‌گردد، خیر می‌داد. امیرالمؤمنین علیه السلام نیز آنچه جبرئیل املاء می‌کرد، همه را به رشته تحریر در می‌آورد و مجموعه این سخنان در کتاب ویژه‌ای جمع آوری شده، که به نام "مصحف فاطمه" یاد می‌شود. در زیارت نامه حضرت می‌خوانیم: «السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الْمُحَمَّدَةُ الْعَلِيْمَةُ»^۱

۸- گردش آسیاب

میمونه می‌گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله مقداری گندم را توسط من نزد فاطمه فرستاد تا با دستاس آن را آرد نماید، گندم را نزد حضرت بردم، دیدم حضرت ایستاده (ظاهراً نماز می‌خواند) ولی آسیاب می‌چرخید و حرکت می‌کرد، این خبر را به پیامبر صلی الله علیه و آله عرض کردم، فرمود: خداوند، ناتوانی و ضعف جسمانی فاطمه را می‌داند، لذا به آسیاب و دستاس دستور می‌دهد که خود دور

بزنند، او هم می‌گردد.^۲

۹- حرکت کهواره

در روایتی می‌خوانیم: «رَبِّمَا اسْتَفَلَّتْ بِصَلَاتِهَا وَعِبَادَتِهَا قَرَّبَهَا بَكِي وَكَلَّمَهَا قَرَّبَهَا قَرَّبَهَا بِتَحَرُّكِ وَكَانَ سَلَكُ يَحْرُكُهُ»^۳؛ گاهی حضرت مشغول خواندن نماز و عبادت بود، فرزندش گریه می‌کرد، کهواره به حرکت در می‌آمد، و فرشته‌ای بود که آن را حرکت می‌داد.

۱۰- غذای بهشتی

علی علیه السلام دیناری قرض گرفته بود که با آن چیزی تهیه کند تا شدت گرسنگی را از فاطمه علیها السلام و فرزندانش رفع کند. مقدار را دید که از گرسنگی شدید اهل و عیالش خبر می‌دهد، حضرت، دینار را به او بخشید. بعد از خواندن نماز ظهر و عصر، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: ای ابالحسن آیا شما چیزی در منزل دارید تا به منزل شما بیایم، علی علیه السلام بر اثر خجالت و حیاء از

۱- بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۱۹۵.

۲- عسقلانی، لسان المیزان، چاپ حیدرآباد، ج ۵، ص ۶۵؛ میزان الاعتدال، دهیس، بیروت، دارالمعرفة، ج ۳، ص ۴۶۸.

۳- بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۴۵.

جاری شد و فرمود: سپاس خدای را که ابا می‌کند که شما را بدون مزد و پاداش از دنیا ببرد. ای علی! پروردگارت می‌خواهد آنچه را که بر زکریا جاری فرموده، بر تو نیز جاری نماید.

آنگاه رو به حضرت زهرا کرد و

فرمود: «**وَيُجْرِكِ يَا فَاطِمَةُ فِي الْمَجْرِي الَّذِي أُجْرِي فِيهِ مَرْيَمُ كَلَّمْنَا ذَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنَّى لَكَ هَذَا قَالَ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ؛** و تو را ای فاطمه در همان مسیری که مریم را حرکت داد، پیش برد. [چنان که قرآن می‌گوید:] «هر گاه زکریا وارد محراب او می‌شد، غذای مخصوصی در آن جا می‌دید، از او می‌پرسید: ای مریم، این را از کجا آورده‌ای؟! می‌گفت: این از سوی خداست.»^۱

قابل دقت است هر چند این غذا

پاداش عطای علی علیه السلام است و کرامتی برای او به حساب می‌آید، ولی برای فاطمه علیها السلام نیز کرامت محسوب می‌شود؛ چرا که خداوند به احترام او

پیامبر صلی الله علیه و آله عرض کرد: تشریف بیاورید. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دست علی را گرفته و با هم وارد خانه زهرا علیها السلام شدند، او در حال نماز بود و پشت سر وی ظرفی بود که از آن بخار برمی‌خاست.

وقتی صدای پیامبر صلی الله علیه و آله را شنید، از محراب نماز خارج شده و به پدر بزرگوار خویش سلام کرد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بعد از جواب سلام فرمودند: برای ما غذایی بیاور، خداوند رحمتش را بر تو نازل کند.

فاطمه علیها السلام ظرف غذا را آورده، در مقابل پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام نهاد. علی علیه السلام سؤال کرد: ای فاطمه! این طعام از کجاست؟ من هرگز طعامی به این خوشرنگی ندیده و خوشبوتر از آن بوئی استشمام نکرده و خوش مزه تر از آن نخورده‌ام.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله دست مبارک خود را بین دو کتف علی علیه السلام نهاد، مختصری فشرد و فرمود: این پاداش دیناری است که تو در راه خدا دادی.

آن گاه اشک رسول خدا صلی الله علیه و آله

۱- ذخائر العقبی، چاپ قدس، ص ۴۵-۴۷.

چنین میوه‌ای را از بهشت فرستاده است.

۱۱- زیان نرساندن آتش به بدن

فاطمه علیها السلام

انس می‌گوید: حجاج بن یوسف از این حدیث که عایشه دیده بود فاطمه علیها السلام با دست خود، غذای داغ دیگ را به هم می‌زند، پرسید. گفتم: بله، عایشه بر فاطمه زهرا علیها السلام وارد شد در حالی که غذا برای حسنین علیهم السلام آماده می‌کرد، ظرف غذا کاملاً می‌جوشید، دید فاطمه با دست خود (بدون هیچ وسیله‌ای) دیگ جوشان را به هم زد، عایشه هراسان و فریاد زنان نزد پدر خود (ابوبکر) رفت، ماجرا را تعریف کرد، ابوبکر گفت: این صحنه را کتمان کن [و با کسی مطرح نکن] زیرا امر بسیار بزرگی است.

این خبر به پیامبر صلی الله علیه و آله رسید، حضرت بالای منبر رفت، بعد از حمد و ثنای الهی، فرمود: ماجرای دیگ و آتش فاطمه زهرا را خیلی بزرگ و عجیب تلقی می‌کنند ...

«لَقَدْ حَزَمَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ النَّارَ عَلَيَّ لَحْمٍ

فَاطِمَةَ وَدَمِهَا وَعَصَبِهَا وَشَعْرَهَا وَقَطَمَ مِنَ النَّارِ دُرَّتَيْهَا وَشَيْعَتَهَا... أَلْوَيْلٌ ثُمَّ أَلْوَيْلٌ، أَلْوَيْلٌ، لِيَمُنَّ شَكَّ فِي فَضْلِ فَاطِمَةَ؛ خداوند آتش را بر گوشت و خون و رگ و موی زهرا حرام نموده است (هرگز به او زیانی نمی‌رساند) و شیعیان و فرزندان او را از آتش [جهنم] به دور داشته است... وای بر شما، خشم و عذاب خدا بر کسی که در فضیلت فاطمه شک کند. این نوع کرامت، ریشه قرآنی هم دارد، چرا که خداوند آتش را بر ابراهیم علیه السلام سرد و گلستان قرار داد، «يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَيَّ اِبْرَاهِيمَ»^۱ پس بعدی ندارد که بدن فاطمه را که انبیاء به او توسل جست‌ه‌اند، بر آتش حرام گرداند.

۱۲- گریه هستی بر گریه زهرا علیها السلام
کرامت دیگر آن حضرت همراهی هستی، با رفتار او و از جمله گریه اوست. وقتی در لحظات آخر عمر پدر بزرگوارش اشک می‌ریخت، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «وَأَلَدِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ لَقَدْ بَكَى لِيكَائِكَ عَرْشُ اللَّهِ وَمَا حَوَّلَهُ مِنَ الْمَلَائِكَةِ

۱- فاطمه الزهراء، پیشین، ص ۱۰۲.

۲- انبیاء/۶۹.

داد: «إِنَّا أَبَاحَسْنَ إِزْفَعَهُمَا عَنْهَا فَلَقَدْ أَبْكَيَا وَاللَّهِ
مَلَائِكَةَ السَّمَاءِ...؛ ای علی! حسین را از
روی سینه مادرشان بردار، سوگند به
خداوند، که فرشتگان آسمان را به گریه
انداختند.»^۲

۲- نام زهرا علیها السلام و نزول آب بهشتی
امام صادق علیه السلام فرمود: از ام ایمن
نقل شده، که در راه مکه به جُحفه به
عطش شدیدی دچار شدم تا آنجا که
جانم به خطر افتاد، پس رو به آسمان
نموده عرض کردم: ای پروردگار من،
مرا دچار تشنگی نموده‌ای در حالی که
من خادمه دختر پیغمبرت می‌باشم؟ آن
گاه دیدم که سطلی از آب بهشتی ظاهر
شد، از آن نوشیدم. قسم به خانم
فاطمه زهرا علیها السلام که بعد از آن تا هفت
سال گرسنگی و تشنگی بر من عارض
نشد.^۳

برای حضرت زهرا علیها السلام

کرامات بسیاری نقل شده است که به
دلیل ضیق مقال، به همین مقدار بسنده
می‌کنیم.

وَالسَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُونَ وَمَا فِيهِنَّ؛ قسم به آن
کسی که مرا به رسالت برانگیخت همانا از
گریه تو عرش خدا و ملائکه و آسمان‌ها و
زمین و تمام موجودات گریستند.^۱

کرامات بعد از شهادت

۱- بیرون آمدن دست‌های زهرا علیها السلام
از کفن
هنگامی که امام علی علیه السلام بدن
زهرا علیها السلام را کفن کرد، وقتی که خواست
بندهای کفن را ببندد فرزندان خود را
صدازد و فرمود: «هَلُمَّوا تَزْوَدُوا مِنْ أُمَّكُمْ؛
بیایید از دیدار مادر تان توشه بگیرید.»
حسن و حسین علیهما السلام فریاد زنان مادر را
صدا می‌زدند، و می‌گفتند: وقتی که به
حضور جدمان رسیدی سلام ما را به او
برسان و به او بگو: بعد از تو در دنیا
یتیم ماندیم. آه! آه! چگونه شعله غم دل
از فراق پیامبر صلی الله علیه و آله و مادرمان خاموش
گردد؟!^۱

امیر مؤمنان می‌فرماید: «إِنِّي أَشْهَدُ
اللَّهِ إِنَّهَا قَدْ حَنَّتْ وَأَنْتَ وَمَدَّتْ يَدَيْهَا وَصَمَّتْهُمَا
إِلَى صَدْرِهَا مَلِيًّا؛ من خدا را گواه می‌گیرم
که فاطمه ناله جان‌کاه کشید و
دست‌های خود را باز کرد و فرزندانش
را مدتی به سینه‌اش چسبانید.»

ناگاه شنیدم هاتفی در آسمان ندا

۱- بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۴۹۱-۴۸۴.

۲- بیت الاحزان، ص ۱۵۴.

۳- بحار الانوار، ج ۶۲، ص ۱۰۲؛ مستدرک
الوسائل، ج ۵، ص ۱۳۵، ح ۴۱.